

**مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر انسان از انجام کار تجربه‌ی تلخی داشته باشد یعنی از آن کار خاطره‌ی بدی در ذهنش مانده باشد و در شرایط مثل آن قرار بگیرد، از انجام آن کار احساس ترس و نگرانی می‌کند، حتی اگر در شرایط جدید، ضرری به او نرسد.

شعر زیر شاهد مثالی برای این ضرب المثل می‌باشد.

آن که شد یک بار زهرآلوده از سوراخ مار      بار دیگر گرد آن سوراخ کی آرد گذار

**شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر انسان همواره شکرگزار نعمت‌ها و موهبت‌های الهی باشد، خداوند بزرگ هم به او عنایت بیشتری خواهد داشت ولی اگر در برابر این همه لطف الهی، ناسپاس باشد، به مرور زمان، آن چه را هم که دارد، از دست می‌دهد.

و به قولی:      در نعمت خدای بگشاید      شکر کن تا خدا بیفزاید

**از تو حرکت، از خدا برکت (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که انسان علاوه بر توکل به خدا و کمک خواستن از او برای کسب روزی، باید خودش هم تلاش و کوشش کند و از توانایی‌های خود استفاده کند تا خداوند نیز به او کمک کند و به زندگی‌اش برکت دهد.

**زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که بدون فکر و اندیشه سخن گفتن، برای انسان می‌تواند مشکلاتی را به وجود آورد؛ یعنی آدمی باید در حرف زدن جانب احتیاط را نگه دارد و هر سخنی را به زبان نیاورد؛ چه بسا که بعضی از حرف‌های نسنجیده می‌توانند به قیمت جان انسان تمام شوند.

و به قول مولانا:      طوطی ز زبان خویش در بند افتاد.

**نوش دارو بعد از مرگ سهراب (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که باید هر کاری را به موقع و در زمان مناسب انجام داد. همان طور که می‌دانیم در داستان رستم و سهراب، نوشدارو بعد از مرگ سهراب به دست رستم رسید؛ یعنی وقتی رسید که کار از کار گذشته بود و هیچ فایده‌ای نداشت؛ بنابراین انسان باید هر کاری، به خصوص کمک به دیگران را در وقت مناسب آن انجام بدهد تا کارش مفید واقع شود.

**هر که بامش بیش، برفش بیشتر (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر انسانی امکانات، ثروت و قدرت بیشتری داشته باشد، مسلماً مسئولیت بیشتری هم در قبال آنها را دارد و باید وقت و انرژی بیشتری برای انجام کارهای خود، صرف کند.

**با دوستان بساز و بر دشمنان بتاز (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که آدمی باید با دوستان و نزدیکان سازگاری و مدارا داشته باشد و با دشمنان خود مخالفت کند و با آن‌ها مدارا نکند. البته با توجه به فرهنگ نوع دوستی ما ایرانیان، به نظرم این ضرب المثل نمی‌تواند برای ما کاربردی داشته باشد زیرا به قول حافظ شیرازی:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است      با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

که به معنای واقعی کلمه، بیانگر سازگاری و مهربانی با همگان است.

**این دغل دوستان که میبینی مگس‌اند گرد شیرینی (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که برخی از انسان‌ها در دوستی با دیگران اهل دروغ و ریا هستند و همانند مگسانی که بر روی شیرینی جمع میشوند، به دنبال سود و منفعت شخصی هستند.

مفهوم این ضرب المثل همانند ضرب المثل «تا پول داری رفیقتم قربون بند کیفتم» می‌باشد.

**کبوتر با کبوتر، باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که هر موجودی اعم از انسان و حیوان باید یار و همراه مناسب خود را داشته باشد و با هم‌نوع و همجنس خود ارتباط بگیرد.

**به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که به دلیل تمام شدن وقت و زمان، مجالی برای ادامه سخن باقی نمی‌ماند و گفتنی‌های بسیاری هنوز مانده است. و یا اینکه بخواهند مطلبی را در یک کتاب بنویسند و صفحات کتاب تمام شود ولی مطلب برای نوشتن بسیار باشد.

**آشپز که دو تا شد، آش یا شور میشه یا بی‌نمک (خوانداری سوم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر مسئولیت یک کار به عهده‌ی دو نفر گذاشته شود؛ نتیجه‌ی کار موفقیت آمیز نخواهد بود زیرا هر کس به امید دیگری، کار را نیمه خواهد گذاشت و یا هر یک با دخالت در کار دیگری، باعث نتیجه‌ی ناخوشایند کار خواهند شد. و به قولی: خانه‌ای را که دو کدبانوست، خاک تا زانوست.

**هر چه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی (خوانداری سوم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که گاهی انسان ها، خود در به وجود آمدن شرایط بد نقش دارند و نباید دیگران را مقصر بدانند؛ یعنی نتیجه‌ی اعمال و رفتار هر کس به خودش برمی گردد. و به قولی: با هر دست که بدهی، از همان دست پس می گیری.

**هنوز دو قورت و نیمش باقیست (خوانداری سوم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر شخصی از روی محبت و مهربانی به کسی خدمت کند و او از این محبت سوء استفاده کند، این مثل برای او به کار می برند. همانطور که می دانیم؛ این ضرب المثل مربوط به داستان زندگی حضرت سلیمان (ع) و مهمانی دادن ایشان و ..... می باشد.

**وطن دوستی نشانه ی ایمان است (خوانداری پنجم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که وطن و میهن هر کس بسیار باارزش و گرامی تر از جاهای دیگر است و این امر فقط مختص انسان نیست بلکه جانوران هم در وطن خود راحت تر هستند و برای این ضرب المثل داستان زاغ بور (آوازی برای وطن) بهترین شاهد مثال می باشد. یا به عبارتی: (حب الوطن من الایمان)

**عقلش به چشمش است (خوانداری پنجم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که بعضی انسانها فقط به ظاهر امور توجه می کنند و چیزی فراتر از ظاهر را درک نمی کنند. این نوع انسانها، سطحی نگر هستند و نمی توانند به عمق مطلبی پی ببرند.

**دست بالای دست بسیار است (خوانداری چهارم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که بعضی انسانها تصور می کنند از همه بهتر و بالاتر هستند یا وقتی کسی به زیردستان خود ظلم و ستم می کند، این مثل را به او می گویند تا بداند خدایی هم وجود دارد و بالاتر از او است و روزی از او انتقام خواهد گرفت.

**هیچ گرانی به حکمت نیست و هیچ ارزانی بی علت! (خوانداری چهارم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر جنس خوب را گران بخری، بهتر از جنس ارزان و نامرغوب است. یعنی بالا و پایین شدن ارزش و احترام انسانها دلیل خاصی دارد.

**تو نیکی میکن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر انسان در اوقات خوش زندگی، در راه خدا کارهای نیک انجام دهد، خداوند هم در روزهای سخت از جایی که انتظارش را ندارد، به او کمک می کند و او را نجات می دهد و به عبارتی این ضرب المثل سفارش به نیکی و نیکوکاری دارد برای رضای خدا بدون هیچ چشمداشتی.

**گم و گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که سخنان سنجیده و گزیده گفتن بهتر از پر حرفی است زیرا سخنی که کوتاه باشد اما پر بار، مانند مروارید گران بهایی است که همگان مشتاق شنیدن آن می شوند. و به قولی: همه وقت کم گفتن از روی کار گزیده است خاصه در این روزگار

**تا پول داری رفیقتم، قریبون بند کیفیتم (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که برخی از افراد در دوستی با دیگران فقط به دنبال کسب سود و منفعت شخصی هستند و بس؛ یعنی اگر انجام کاری برایشان منفعت نداشته باشد، آن را برای رضایت دوست خود انجام نمی دهند و چه بسا ممکن است که به دوستی خود پایان دهند.

**جایی که نمک خوردی، نمکدان مشکن (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که باید همواره قدرشناس لطف و محبت دیگران بود و از خیانت و ناروایی در حق آن ها خوددتری کرد. در فرهنگ ما ایرانیان، نان و نمک حرمت خاصی دارد و بارها شنیده ایم که مهمان باید حرمت نان و نمک خانه میزبان را نگه دارد و این ضرب المثل تداعی کننده همان حرمت است.

**کار نیکو کردن از پر کردن است (نوشتار ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که در انجام هر کاری، باید تکرار و تمرین و ممارست داشت تا بتوان در آن کار به موفقیت رسید.

**مشک آن است که خود ببوید، نه آن که عطار بگوید (نوشتاری ششم)**

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر کسی قابلیت و توانایی درست انجام کاری را دارد، باید با رفتار و اعمال خود، آن را به دیگران نشان بدهد نه این که منتظر تعریف و تمجید دیگران از کار خود باشد تا افراد دیگر متوجه توانایی او بشوند، زیرا چه بسا دیگران در تعریف خود، اغراق کنند و او اصلا این ویژگی را نداشته باشد.

### رطب خورده کی کند منع رطب؟ (خوانداری چهارم)

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر کسی حرفی میزند یا نصیحت می کند یا دیگران را به انجام کاری تشویق می کند، ابتدا باید خودش به گفته هایش عمل کند تا دیگران باور کنند و حرف های او را باور کنند. این ضرب المثل از زندگی پیامبر اکرم (ص) برگرفته شده است.

### دشمن دانا بلندت می کند؛ بر زمینت می زند نادان دوست

این ضرب المثل بیانگر این است که اگر انسان دشمنی دانا داشته باشد بهتر از این است که دوست نادان داشته باشد زیرا دشمن دانا با رفتار خود باعث می شود که انسان در صدد پیشرفت و عقب نماندن از او باشد و برعکس دوست نادان باعث می شود که انسان نه تنها پیشرفت نکند بلکه سرافکنده و خوار نیز شود. چو خواهی که نامت نماند نهان مکن نام نیک بزرگان نهان این ضرب المثل بیانگر این است که اگر انسانی بخواهد نام نیکی از او در جهان باقی بماند و آیندگان از او به نیکی یاد کنند، باید از بزرگان در گذشته نیز به نیکی یاد کند و هرگز نام خوب آنها را خراب نکند.